

نقش تعدیل‌کننده انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در رابطه بین کمال‌گرایی و رغبت به ازدواج دانشجویان

فاطمه آزمون^۱

رؤیا رسولی^۲

عباس عبداللهی^۳

چکیده

با توجه به افزایش سن ازدواج و کاهش تمایل جوانان به ازدواج، شناسایی عوامل مؤثر بر این پدیده از اهمیت بسزایی برخوردار است. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تعدیل‌کنندگی انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در رابطه بین کمال‌گرایی و رغبت به ازدواج انجام شد. این مطالعه توصیفی-همبستگی بر روی ۳۰۴ دانشجوی مجرد دانشگاه الزهرا انجام گرفت که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه رغبت به ازدواج (۱۳۸۹)، مقیاس چندبعدی کمال‌گرایی (هویت و فلت، ۱۹۹۱) و پرسشنامه چندبعدی انعطاف‌پذیری روان‌شناختی (۲۰۱۸) بود. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS و از طریق روش مدل‌سازی معادلات ساختاری تحلیل شدند. نتایج نشان داد که کمال‌گرایی خودمحور و کمال‌گرایی دگرمحور با رغبت به ازدواج رابطه منفی معنادار دارند؛ در حالی که کمال‌گرایی جامعه‌محور ارتباط معناداری با رغبت به ازدواج نداشت. همچنین انعطاف‌پذیری روان‌شناختی با رغبت به ازدواج رابطه مثبت معنادار و انعطاف‌ناپذیری روان‌شناختی با رغبت به ازدواج رابطه منفی معنادار داشت. در نهایت تحلیل اثر تعدیل‌گری نشان داد که

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران.

fatemehazmoun87@gmail.com

۲. دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

r.rasouli@alzahra.ac.ir

۳. استادیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران.

abdollahi.Abbas58@gmail.com

انعطاف پذیری روان شناختی قادر به تعدیل رابطه بین کمال‌گرایی و رغبت به ازدواج است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که می‌توان با تقویت انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و اصلاح الگوهای کمال‌گرایی ناسازگار، تمایل به ازدواج را در جوانان افزایش داد. این نتایج می‌تواند مبنایی برای تدوین مداخلات روان‌شناختی مؤثر در حوزه ازدواج و خانواده باشد.

واژگان کلیدی: انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، رغبت به ازدواج، کمال‌گرایی.



مقدمه

یکی از مهم‌ترین و کهن‌ترین نهادهای اجتماعی، خانواده است که در سراسر تاریخ بشر، نهادی ثابت و پایدار است (استرانگ و کوهن، ۲۰۱۳). خانواده با ازدواج موجودیت پیدا می‌کند و پایه و اساس تشکیل آن، ازدواج است. ازدواج، پیمان مقدسی است که در همه جوامع رسمی مهم تلقی می‌شود (مداتیل و بنشف، ۲۰۰۸) و نقش بسزایی در تداوم و بقای بشر، تربیت و پیراستگی اخلاقی و شخصیت بخشی مردان و زنان دارد و از طریق ایجاد بستری امن برای برآوردن نیازهای عاطفی و روانی اعضای خانواده، نقش مهمی در کارکرد جامعه بر عهده دارد (دیکسون، ۲۰۱۳).

ازدواج و تشکیل خانواده در تعالیم اسلامی نیز به عنوان یکی از بنیادی‌ترین و مقدس‌ترین نهادهای بشری معرفی شده است. در هیچ آموزه‌ای، بنیانی والاتر از این پیوند نزد پروردگار ترسیم نشده و قرآن کریم آن را منشأ آرامش و سکون حقیقی معرفی کرده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱). این آیه به روشنی نشان می‌دهد که ازدواج تنها یک پیوند جسمانی نیست؛ بلکه فرایندی عمیق و الهی است که در آن، محبت، مودت و آرامش متقابل میان زوجین شکل می‌گیرد و زمینه‌ساز رشد و تعالی انسان می‌شود. در این راستا ازدواج نه تنها نقش مهمی در تأمین نیازهای فردی و اجتماعی انسان ایفا می‌کند؛ بلکه بستری برای تحقق اهداف والای خلقت از جمله تکامل روحی، استمرار نسل و ایفای نقش جانشینی خداوند بر زمین محسوب می‌شود.

از دیدگاه اسلامی ازدواج تنها وسیله‌ای برای رفع نیازهای زیستی یا بقای نسل نیست؛ بلکه در سطحی فراتر اتحاد روح‌ها، تکمیل کمبودهای عاطفی و معنوی و هم‌افزایی در مسیر رشد و کمال انسانی را به همراه دارد. هر یک از زوجین نه تنها در مقام یک همراه، بلکه به عنوان عاملی برای تعالی و تکامل دیگری نقش‌آفرینی می‌کنند. این نگرش بر خلاف دیدگاه‌های تقلیل‌گرایانه به ازدواج، آن را فراتر از یک قرارداد اجتماعی یا زیستی می‌داند و

1. Strong & Cohen
2. Madathil & Benshoff
3. Dixon

آن را یک پیمان مقدس الهی معرفی می‌کند که در پرتو آن، انسان به آرامش درونی دست می‌یابد و مسیر سعادت و معنویت را طی می‌کند. در این میان ازدواج مشروع و پایدار، بنیانی اساسی برای تحقق عدالت اجتماعی، سلامت روانی و اخلاقی جامعه و توسعه انسانی است که هم بر فرد و هم بر اجتماع تأثیرگذار است.

با وجود اهمیت این پدیده و کارکردهای مثبت آن، در دهه‌های اخیر شاهد افزایش متوسط سن ازدواج و به تأخیر افتادن آن در سطح جهانی هستیم (کرایدر و الیس، ۲۰۱۱). در کشور ایران نیز افزایش سن ازدواج روندی فزاینده داشته است (حیدری، مظاهری و پوراعتقاد، ۱۳۹۰). مطابق با گزارش سازمان ثبت احوال کشور در سال ۱۳۹۹، میانگین سن در اولین ازدواج برای پسران ۲۹/۹ سال و برای دختران ۲۵/۰ سال گزارش شده است که نسبت به ۸ سال گذشته برای دختران ۱/۷ سال و برای پسران ۲/۱ سال افزایش داشته است (سالنامه آمارهای جمعیتی، ۱۳۹۹) و این موضوع زنگ خطری برای جامعه ایران محسوب می‌شود.

عوامل بسیاری بر زمان و انگیزه جوانان برای اقدام به ازدواج تأثیرگذار هستند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، رغبت به ازدواج است (پورشریف، ۱۳۹۰). رغبت به ازدواج، تمایل فرد به انتخاب همسر و به اشتراک گذاشتن ویژگی‌ها، اهداف، افکار و نگرش‌های خود با آگاهی از اثرات مثبت و منفی آن بر زندگی است (هاسلم و مونروس، ۲۰۱۵) و خصوصیتی است که افزون بر شرایط محیطی مانند شغل، مسکن، تحصیلات و غیره تحت تأثیر ویژگی‌های درونی مانند نگرش‌ها، اهداف، ویژگی‌های شخصیتی، انتظارات و توقعات قرار دارد.

یکی از عوامل مهم افزایش سن ازدواج، وجود موانع متعدد اقتصادی و اجتماعی است. بسیاری از جوانان در مسیر ازدواج با چالش‌هایی همچون نبود مسکن مناسب، بیکاری، گرایی به تجمل‌گرایی، رقابت‌های ناپسند اجتماعی، فقدان درآمد پایدار و افزایش معضلاتی مانند اعتیاد در جامعه مواجه هستند. این مشکلات نه تنها روند ازدواج را به تعویق می‌اندازند؛ بلکه بر پایداری و کیفیت زندگی زناشویی نیز تأثیر منفی می‌گذارند. سرواتی و وبر^۳ (۲۰۱۰)، از

1. Kreider & Ellis

2. Hoslam & Montrose

3. Servaty & Weber

جمله موانع فردی را بی‌علاقگی به شخصی خاص، باورها و عقاید غیرمعمول، کمال‌گرایی و سخت‌پسندی در انتخاب همسر نام بردند. از جمله این باورهای محدودکننده عبارتند از: نیاز به تأیید شدید از طرف مقابل، اعتقاد به اینکه همه امور باید منصفانه باشد، باور به راحتی، نیاز به پیشرفت شدید و جاه‌طلبی و دست‌کم گرفتن خود و دیگران (آدیس^۱، ۲۰۰۲) که همه این موارد، زیر مجموعه سازه کمال‌گرایی قرار می‌گیرند. رضاخانی، قاسم‌آبادی و جان‌بخش (۱۳۸۹) نیز در پژوهشی نشان دادند که بین کمال‌گرایی و انگیزه نامناسب برای ازدواج رابطه مثبتی وجود دارد و با افزایش کمال‌گرایی، انگیزه مناسب برای ازدواج کاهش پیدا می‌کند.

کمال‌گرایی سازه‌ای چند بعدی و ویژگی شخصیتی است که با تعیین معیارهای سطح بالا برای عملکرد و نگرانی‌های ارزیابانه در رابطه با عواقب فردی و اجتماعی ناکامی در رسیدن به این معیارها تعریف می‌شود (استوبر، موتیلینی و کور، ۲۰۱۶)^۲ و گرایشی است که در تمام زمینه‌های زندگی نفوذ می‌کند و می‌تواند بر شخصیت و روابط اجتماعی افراد تأثیر بگذارد (استوبر و استوبر، ۲۰۰۹)^۳. پژوهش‌های اخیر دریافته‌اند که کمال‌گرایی سازه‌ای چند بعدی است که شامل کمال‌گرایی خودمدار (تعیین استانداردهای شخصی بالا و غیرواقع‌بینانه برای خود)، کمال‌گرایی دیگرمدار (وضع ضوابط بالا و غیرواقع‌بینانه برای دیگران) و کمال‌گرایی جامعه‌مدار (باور فرد بر پایه انتظارات غیرواقع‌بینانه‌ای که دیگران از وی دارند و او خود را ملزم به برآورده‌سازی آن‌ها می‌کند) است (هویت و همکاران، ۲۰۰۶)^۴؛ هویت و فلت، (۱۹۹۱). در افراد کمال‌گرا هرگونه شکست در امور زندگی از جمله ازدواج منجر به انتقادگری و موجب مداومت دید منفی آنان نسبت به خودشان و دیگران می‌شود. این افراد انتظارات خاصی از ازدواج و همسر آینده خود دارند؛ از جمله آنکه همسرشان بی‌عیب و نقص باشد که همین امر می‌تواند به اضطراب و ترس از شکست در ازدواج بیانجامد. رضاخانی، قاسم‌آبادی و جان‌بخش (۱۳۸۹) در پژوهشی نشان دادند که افزایش هر یک از مؤلفه‌های کمال‌گرایی منجر به افزایش انگیزه‌ها و باورهای نامناسب از ازدواج می‌شود. همچنین پالانی (۱۳۹۵) در

1. Addis
2. Stoeber, Mutinelli & Corr
3. Stoeber & Stoeber
4. Hewitt, Flett, Sherry & Caelian

پژوهشی دریافت بین کمال‌گرایی و تمایل به ازدواج، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. تعهد زیاد افراد نسبت به معیارهای سخت‌گیرانه نشانه ضعف در شناخت انعطاف‌پذیر است (دنيس و وندروال،^۱ ۲۰۱۰). اونگ (۲۰۲۱) در پژوهشی دریافت که انعطاف‌پذیری روان‌شناختی می‌تواند تأثیر کمال‌گرایی متوسط و بالا را بر کیفیت زندگی مهار کند. تعدادی از محققین نیز ارتباط این دو متغیر را مورد بررسی قرار دادند (موروز و دانکلی،^۲ ۲۰۱۵؛ سانتانلو و گاردنر،^۳ ۲۰۰۷) و به این نتیجه رسیدند که فرایندهای درگیر در انعطاف روانی ممکن است در درک کمال‌گرایی مؤثر باشند.

مطابق با تعریف (دنيس و وندروال، ۲۰۱۰) انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، میزان ارزیابی فرد در مورد قابل کنترل بودن شرایط و قدرت تغییر آمایه‌های شناختی به منظور سازگاری با محرک‌های در حال تغییر محیطی تعریف شده است. از ویژگی‌های افراد با انعطاف‌پذیری پایین، تمایل به استفاده از استراتژی‌های بشدت ناسازگار است (گرکو، لامبرت و بائر،^۴ ۲۰۰۸؛ کرازبی، بیتس و توهیگ،^۵ ۲۰۱۱) که این نوع واکنش غیر ارتجاعی نوعی شناخت همراه با کمال‌گرایی ناسازگار محسوب می‌شود (داگنو، براون و ویتاکر،^۶ ۱۹۹۲؛ فلت و همکاران، ۲۰۱۶).

همچنین حسینیان، صالحی و یزدی (۱۴۰۱) و اکبرزاده و زهراکار (۱۴۰۱) در پژوهش‌های خود دریافتند بین انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و رضایت و سازگاری پس از ازدواج رابطه مثبت معناداری وجود دارد و افزایش آن می‌تواند در صمیمت و سازگاری ازدواج نقش بسزایی داشته باشد که اهمیت این سازه در ازدواج و موفقیت پس از آن را نشان می‌دهد. از آنجا که پژوهش‌های اندکی در این زمینه صورت گرفته است و بیشتر آن‌ها به بررسی نقش این دو ویژگی در رضایت و موفقیت بعد از ازدواج پرداخته‌اند، بنابراین لزوم بررسی آن‌ها در حوزه قبل از ازدواج ضرورت دو چندان دارد.

1. Dennis & Vander Wal
2. Moroz & Dunkley
3. Santanello & Gardner
4. Greco, Lambert & Baer
5. Crosby, Bates & Twohig
6. Daigneault, Braun & Whitaker

پژوهش‌های موجود درباره افزایش سن ازدواج عمدتاً بر نقش عوامل اجتماعی و اقتصادی در شکل‌گیری این پدیده تمرکز داشته و کمتر به بررسی ابعاد روان‌شناختی مؤثر بر تمایل به ازدواج پرداخته‌اند. این در حالی است که شناخت موانع فردی مؤثر بر تأخیر در ازدواج، می‌تواند زمینه را برای تسهیل ازدواجی به موقع و مطلوب فراهم کند. از این رو پژوهش حاضر با در نظر گرفتن تأثیر مستقل متغیرهای مذکور، به بررسی نقش تعدیل‌کننده انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در رابطه میان ابعاد کمال‌گرایی و رغبت به ازدواج می‌پردازد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی از نوع همبستگی (مدل معادلات ساختاری) است. جامعه آماری این پژوهش متشکل از همه دانشجویان مجرد شاغل به تحصیل دانشگاه الزهراء، در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بود. به منظور برآورد حجم نمونه طبق نظر کلاین (۲۰۱۱) در مطالعاتی که از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری و نرم‌افزار آموس استفاده می‌شود، حجم نمونه بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ در نظر گرفته می‌شود. با توجه به این اصل و با در نظر گرفتن ملاک‌های ورود به پژوهش که شامل دانشجوی دانشگاه الزهراء بودن، مجرد بودن و نداشتن تجربه طلاق بود؛ پژوهشگر در نهایت توانست تعداد ۳۰۴ نفر نمونه را با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس جمع‌آوری کند. در نهایت به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش در سطح آمار توصیفی از نرم‌افزار Spss نسخه ۲۶ و در سطح آمار استنباطی با استفاده از تحلیل مسیر و مدل معادلات ساختاری از نرم‌افزار Amos نسخه ۲۴ استفاده شد.

برای ارزیابی رغبت به ازدواج از پرسشنامه رغبت به ازدواج نسخه دانشجویی (پرساد) استفاده شد. این پرسشنامه ۲۴ سؤالی توسط حیدری، مظاهری و پوراعتماد (۱۳۸۹) ساخته شده است و شامل ۲۳ سؤال ۵ گزینه‌ای و یک سؤال اضافی برای سن طلایی ازدواج است. پرسشنامه حاضر بر روی ۷۷۹ نفر اجرا و با استفاده از تحلیل عوامل و با روش چرخشی از نوع واریماکس، چهار عامل برای آن مشخص شد. برای نمره‌گذاری پرسشنامه از مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت استفاده شده است؛ بدین شکل که نمره‌گذاری سؤال‌های (۱، ۲، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۲ و ۲۳) به صورت (۵=کاملاً موافقم، ۴=موافقم، ۳=ممتنع، ۲=مخالفم و

۱=کاملاً مخالفم) و برای سؤال‌های (۳، ۴، ۵، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۲۰ و ۲۱) که نشان‌دهنده عدم رغبت به ازدواج هستند، به صورت (۱=کاملاً موافقم، ۲=موافقم، ۳=ممتنع، ۴=مخالفم و ۵=کاملاً مخالفم) نمره‌گذاری می‌شود و جمع کل امتیازات، رغبت فرد نسبت به ازدواج را نشان می‌دهد. پایایی این مقیاس روی ۴۰ نفر آزمودنی ارزیابی شد. با روش بازآزمون با فاصله زمانی دو هفته ضریب همبستگی بین دو بار اجرای این آزمون برابر با ۰/۸۹ بود که در سطح احتمال ۰/۰۱ معنادار است. همسانی درونی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ محاسبه و ضریب به دست آمده برابر با ۹۲ درصد است. در پژوهش حاضر نیز پایایی پرسشنامه به وسیله آلفای کرونباخ، ۸۹ درصد محاسبه شد.

سازه کمال‌گرایی توسط پرسشنامه کمال‌گرایی چندبعدی هویت و فلت اندازه‌گیری شد. این مقیاس در سال ۱۹۹۱ توسط هویت و فلت ساخته شده است و در ایران به دست بشارت روی نمونه ایرانی هنجاریابی و اعتباریابی شده است. این مقیاس، یک آزمون ۳۰ سؤالی است که ده ماده اول آن کمال‌گرایی خودمدار، ده ماده دوم کمال‌گرایی دیگرمدار و ده ماده سوم کمال‌گرایی جامعه‌مدار را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. نمره‌گذاری این مقیاس بر اساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای انجام می‌شود که گزینه‌های آن به صورت (۵=کاملاً موافق، ۴=موافق، ۳=نظری ندارم، ۲=مخالف، ۱=کاملاً مخالف) نمره می‌گیرند. مجموع این امتیازات میزان کمال‌گرایی فرد را مشخص می‌کند. هویت و فلت در پژوهش خود روی نمونه ۲۳۶ نفری، هماهنگی درونی مقیاس خود را قابل پذیرش اعلام کردند که به ترتیب برای کمال‌گرایی خودمدار، دیگرمدار و جامعه‌مدار برابر با ۰/۸۸، ۰/۷۴، ۰/۸۱ درصد بوده است. در اعتباریابی مقدماتی فرم ایرانی، این مقیاس روی یک نمونه ۱۸۰ نفری از دانشجویان دانشکده‌های مختلف دانشگاه تهران، آلفای کرونباخ به دست آمده برای کمال‌گرایی خویش‌مدار ۰/۹۰، برای کمال‌گرایی دیگرمدار ۰/۸۳ و برای کمال‌گرایی جامعه‌مدار ۰/۷۸ درصد بوده است که نشانه همسانی درونی بالای این مقیاس است. در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۳ به دست آمد و برای هر یک از خرده مقیاس‌های کمال‌گرایی خودمحور، کمال‌گرایی دیگرمحور و کمال‌گرایی جامعه‌محور به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۸ و ۰/۸۹ محاسبه شد.

مقیاس بعدی پرسشنامه چند بعدی انعطاف‌پذیری روان‌شناختی (MPFI) بود که توسط رولفس و همکاران (۲۰۱۸) ساخته شده و در ایران توسط آزادفر و عبداللهی بر روی نمونه ۳۰۷ نفری اجرا و هنجاریابی شده است. این پرسشنامه یک مقیاس خودگزارشی ۶۰ ماده‌ای جدید است که برای ارزیابی مؤلفه‌های خاص انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و عدم انعطاف‌پذیری توسعه یافته است. این پرسشنامه از ۱۲ خرده مقیاس تشکیل شده است و هر خرده مقیاس با ۵ گویه ارزیابی می‌شود و دارای طیف لیکرت ۶ درجه‌ای است که گزینه‌های آن به صورت (۱=هرگز، ۲=بسیار به ندرت، ۳=به ندرت، ۴=گاهی اوقات، ۵=اغلب، ۶=همیشه) نمره‌گذاری می‌شوند. رولفس و همکاران در نتایج خود آلفای کرونباخ ۰/۸۷ تا ۰/۹۷ درصد را برای ۱۲ خرده مقیاس گزارش کرده‌اند. همچنین نتایج تحلیل عاملی و شاخص‌های AVE بزرگتر از ۰/۵ و CR بزرگتر از ۰/۷ نشان‌دهنده این است که مقیاس از روایی و قابلیت اعتماد خوبی برخوردار است. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای انعطاف‌پذیری روان‌شناختی ۰/۹۲ و برای عدم انعطاف‌پذیری روان‌شناختی ۰/۹۳ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت اطلاعات توصیفی مرتبط با ابزارهای پژوهش ارائه شده است. میانگین، انحراف استاندارد و شاخص‌های کجی و کشیدگی هر یک از متغیرهای مربوط به ابزارهای پژوهش در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱ - شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نمره کمترین	نمره بیشترین	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
انعطاف‌پذیری روان‌شناختی	۳۵	۱۵۲	۱۲۸/۶۹	۱۹/۲۱	-۰/۴۵	۰/۴۳
- پذیرش	۷	۲۹	۱۹/۰۹	۳/۸۹	-۰/۴۰	۰/۵۰
- آگاهی نسبت به زمان حال	۹	۳۰	۲۳/۷۹	۳/۶۶	-۰/۷۷	۱/۲۳
- خود به عنوان محتوا	۵	۳۰	۲۱/۲۶	۴/۶۴	-۰/۵۸	۰/۵۳
- هم‌جویشی‌زدایی	۵	۳۰	۱۷/۵۵	۵/۴۳	-۰/۲۱	-۰/۵۷

متغیر	نمبره کمترین	نمبره بیشترین	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
- ارزش	۹	۳۰	۲۴/۱۸	۳/۸۸	-۰/۹۲	۱/۴۴
- اقدام متعهدانه	۵	۳۰	۲۲/۸۲	۴/۴۲	-۰/۵۱	۰/۳۰
انعطاف ناپذیری روان شناختی	۴۳	۱۸۰	۱۰۴/۹۵	۲۲/۸۶	-۰/۱۶	۰/۴۵
- تجربه اجتناب	۵	۳۰	۱۹/۹۶	۴/۹۳	-۰/۳۵	۰/۰۹
- عدم آگاهی نسبت به زمان حال	۵	۳۰	۱۶/۱۳	۵/۱۵	۰/۰۷	-۰/۳۸
- خود به عنوان محتوا	۵	۳۰	۱۷/۴۷	۶/۲۱	-۰/۲۳	-۰/۷۸
- هم جوشی	۵	۳۰	۱۸/۶۳	۵/۶۹	-۰/۲۹	-۰/۳۶
- عدم ارتباط به ارزش ها	۵	۳۰	۱۴/۸۵	۵/۰۹	۰/۱۰	-۰/۲۳
- عمل نکردن	۵	۳۰	۱۷/۹۰	۵/۷۱	-۰/۱۸	-۰/۴۱
کمال گرایی	۴۵	۱۳۳	۹۰/۸۸	۱۷/۷۴	-۰/۱۸	-۰/۲۸
- کمال گرایی خودمحور	۱۰	۴۶	۳۰/۲۷	۷/۵۵	-۰/۳۰	-۰/۴۰
- کمال گرایی دگرمحور	۱۷	۴۷	۳۱/۰۹	۶/۱۱	-۰/۰۶	-۰/۳۶
- کمال گرایی جامعه محور	۱۰	۴۸	۲۹/۵۲	۸/۱۶	-۰/۲۲	-۰/۶۰
رغبت به ازدواج	۳۰	۱۰۱	۶۴/۵۷	۱۴/۱۳	۰/۰۳	-۰/۳۰
- بازخورد نسبت به ازدواج	۸	۴۰	۲۳/۲۰	۶/۷۶	۰/۱۵	-۰/۴۴
- نگرش نسبت به ازدواج	۷	۳۴	۲۰/۷۵	۵/۹۳	-۰/۰۳	-۰/۷۹
- آمادگی برای ازدواج	۷	۲۲	۱۳/۱۹	۳/۰۵	۰/۴۳	-۰/۱۹
- موانع ازدواج	۳	۱۳	۷/۴۳	۲/۱۵	-۰/۰۴	-۰/۳۹

برای ارزیابی بهنجاری بودن داده‌ها از دو شاخص کجی و کشیدگی استفاده شد که با توجه به جدول ۱، میزان کجی داده‌ها بین ± ۲ و میزان کشیدگی بین ± ۳ قرار دارد که حاکی از بهنجاری بودن توزیع داده‌های پژوهش است (تاباچنیک و فیدل^۱، ۲۰۱۴). سپس به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و بررسی فرضیه‌های پژوهش از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده

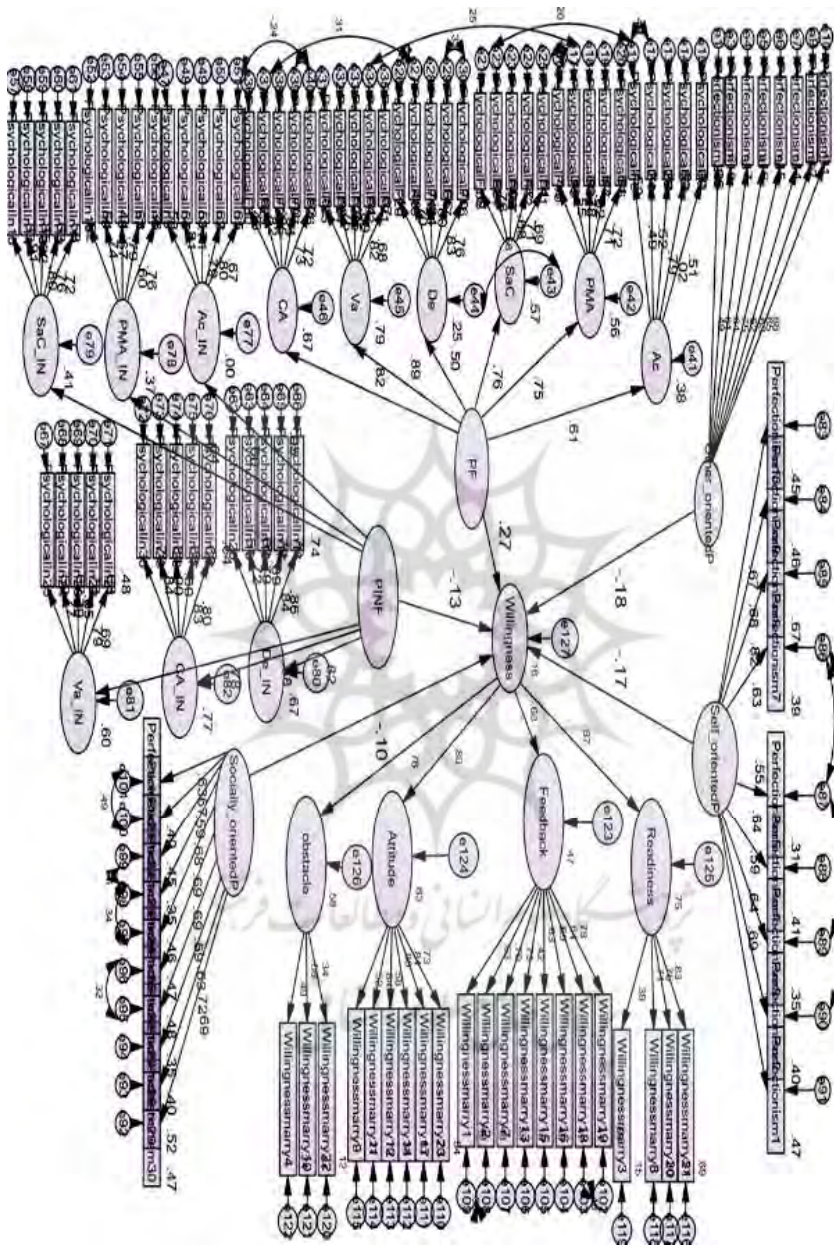
1. Tabachnick & Fidell

شده است. در ارزیابی مدل پیشنهادی پژوهش با استفاده از روش مدل سازی معادلات ساختاری، از رویکرد دو مرحله ای استفاده شده است. در مرحله اول از روش تحلیل عاملی تأییدی (CFA) برای ارزیابی مدل های اندازه گیری استفاده شد. در تحلیل عاملی تأییدی، قابلیت اطمینان و اعتبار مدل اندازه گیری مورد بررسی قرار گرفت و در مرحله دوم، اعتبار و برازش مناسب مدل با توجه به ساختار داده ها مورد ارزیابی قرار گرفت.

جدول ۲- برازش کلی مدل پژوهش

مدل	CMIN/DF	P	GFI	CFI	NFI	RMSEA
مدل مفروض	۱/۷۲	۰/۰۰۱	۰/۸۳	۰/۹۰	۰/۷۹	۰/۰۴
مدل اشباع			۱	۱	۱	
مدل استقلال	۴/۵	۰/۰۰۱	۰/۰۷۶	۰	۰	۰/۱۰

بر اساس نتایج به دست آمده در جدول فوق، شاخص کای اسکوئر هنجار شده (CMIN/DF) برابر با ۱/۷۲ است که نشان می دهد مدل از وضعیت خوبی برخوردار است. مقدار شاخص CFI به عنوان شاخص تطبیقی، بالای ۰/۹ و مطلوب است و مقدار شاخص RMSEA نیز به عنوان مهم ترین شاخص برازش کلی، برابر با ۰/۰۴ و نشانگر این است که مدل از برازش نسبتاً خوبی برخوردار است. پس از آن به اندازه گیری مدل ساختاری پرداخته شد که در آن کمال گرایی خود محور، کمال گرایی دگر محور، کمال گرایی جامعه محور، انعطاف پذیری روان شناختی و انعطاف ناپذیری روان شناختی (متغیرهای پیش بین) به عنوان متغیر برون زا و متغیر رغبت به ازدواج (متغیر ملاک) به عنوان متغیر درون زا هستند که به صورت زیر است (شکل ۱):



شکل ۱: اندازه‌گیری مدل ساختاری و نتایج در حالت استاندارد

نتایج فرضیات مدل ساختاری بیانگر این بود که بین کمال‌گرایی خودمحور و کمال‌گرایی دگرمحور با رغبت به ازدواج، رابطه منفی معنادار بین کمال‌گرایی جامعه‌محور با رغبت به ازدواج، رابطه منفی غیر معناداری وجود دارد. همچنین انعطاف‌پذیری روان‌شناختی با رغبت به ازدواج، رابطه مثبت معنادار و انعطاف‌ناپذیری روان‌شناختی با رغبت به ازدواج، رابطه منفی معناداری دارد که در جدول ۳ ارزش‌های عددی بتا و سطح معناداری قابل مشاهده است:

جدول ۳. مدل ساختاری رغبت به ازدواج

ضریب رگرسیون (بتا)	سطح معناداری	فرضیه پژوهش	
-۰/۱۷	۰/۰۲	<---	کمال‌گرایی خودمحور
-۰/۱۸	۰/۰۲	<---	کمال‌گرایی دگر محور
-۰/۱	۰/۱۵	<---	کمال‌گرایی جامعه محور
۰/۲۷	۰/۰۰۳	<---	انعطاف‌پذیری روان‌شناختی
-۰/۱۳	۰/۰۴	<---	انعطاف‌ناپذیری روان‌شناختی

برای سنجش نقش تعدیل‌گری از روش تحلیل مدل برای گروه‌های مختلف استفاده شد. به این صورت که بر مبنای میانه نمرات انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، افراد را به دو گروه پایین و بالا تقسیم شد. تعداد گروه پایین ۱۵۴ نفر و گروه بالا برابر با ۱۵۰ نفر است. برای ایجاد یک اثر تعدیل‌گر در مدل کلی، باید نشان داده شود که مدل متغیر (به این معنی است که بین مدل مفروض برای یک گروه با مدل مفروض برای گروه دیگر تفاوت وجود دارد) بهتر از مدل ثابت (به این معنی است که بین مدل مفروض برای یک گروه با مدل مفروض برای گروه دیگر تفاوت وجود ندارد) است و اگر شاخص‌های برازش برای مدل متغیر بهتر از مدل ثابت باشد، این نتیجه حاصل می‌شود که متغیر تعدیل‌گر نقش تعدیل‌گری ایفا کرده است. نتایج

جدول ۴ نشان داد که شاخص‌های برازش در مدل متغیر، بهتر از مدل ثابت است و بیانگر نقش تعدیل‌گری انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در مدل مفروض است.

جدول ۴- نقش تعدیل‌گری انعطاف‌پذیری روان‌شناختی

پایین	بالا	سازه	سازه
ضریب بتا (سطح معناداری)	ضریب بتا (سطح معناداری)		
۰/۰۰۲-۰/۲۸	۰/۱۷.۰۴	رغبت به ازدواج	کمال‌گرایی خودمحور
۰/۰۰۳-۰/۱۹	۰/۱۵-۰/۰۵	رغبت به ازدواج	کمال‌گرایی دگرمحور
۰/۰۰۷-۰/۱۱	۰/۱۳-۰/۰۸	رغبت به ازدواج	کمال‌گرایی جامعه‌محور

همچنین نتایج جدول ۵ نشان داد که شاخص‌های برازش در مدل متغیر کمی بهتر از مدل ثابت است و بیانگر نقش تعدیل‌گری انعطاف‌ناپذیری روان‌شناختی در مدل مفروض است.

جدول ۵- نقش تعدیل‌گری انعطاف‌ناپذیری روان‌شناختی

پایین	بالا	سازه	سازه
ضریب بتا (سطح معناداری)	ضریب بتا (سطح معناداری)		
۰/۰۰۳-۰/۳۹	۰/۵۷.۰۶	رغبت به ازدواج	کمال‌گرایی خودمحور
۰/۰۲۷.۰/۱۰	۰/۰۰۹-۰/۳۷	رغبت به ازدواج	کمال‌گرایی دگرمحور
۰/۰۲۷-۰/۱۰	۰/۰۸-۰/۰۲	رغبت به ازدواج	کمال‌گرایی جامعه‌محور

همان‌گونه که ملاحظه شد، متغیر تعدیل‌گر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و انعطاف‌ناپذیری روان‌شناختی در رابطه بین کمال‌گرایی خودمحور و دگرمحور با رغبت به ازدواج نقش تعدیل‌گری ایفا کرده است، اما در رابطه بین کمال‌گرایی جامعه‌محور با رغبت به ازدواج نقش تعدیل‌گر ایفا نکرده است.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد بین کمال‌گرایی خودمحور و کمال‌گرایی دگرمحور با رغبت به ازدواج، رابطه منفی معناداری وجود دارد و بین کمال‌گرایی جامعه‌محور و رغبت به ازدواج، رابطه منفی غیرمعناداری یافت شد که این یافته‌ها با پژوهش پالانی (۱۳۹۵)، طرزی و ناعمی (۱۳۹۵)، رضاخانی و همکاران (۱۳۹۸) و استوبر (۲۰۱۲) همسو بود. در تبیین این یافته‌ها باید گفت از آنجا که کمال‌گرایی به معنی هدف‌گزاری برای رسیدن به بهترین‌ها در یک موضوع است و نیز اهمیتی که مسئله ازدواج در زندگی افراد دارد، این ویژگی باعث می‌شود فرد تلاش زیادی کند تا در ازدواج شکست نخورد؛ به نحوی که به خودش اجازه مرتکب شدن خطا را نمی‌دهد و بین فرد ایده‌آل خود و وضعیت موجود فاصله زیادی حس می‌کند. همچنین از آنجا که بعید است استانداردهای فرد کمال‌گرا به طور کامل برآورده شود، او شروع یک کار را به امید تکمیل کامل آن و فراهم شدن شرایط به تعویق می‌اندازد (شفران و منسل، ۲۰۰۱). در نتیجه همین امر موجب می‌شود دیر به ازدواج رضایت دهد و الگوهای غیرمنطقی و دور از دسترسی که نسبت به همسر آینده خود در ذهن ایجاد کرده است، مانع انتخاب همسر مناسب می‌شود. این افراد برای ازدواج معیارهای گسترده و اغلب غیر واقع‌بینانه با جزئیات بسیار انتخاب و تصور می‌کنند طرف مقابلشان باید با تک تک این معیارها همخوانی داشته باشد و صرف نظر کردن از هر کدام از معیارها، برایش سخت و ناممکن است؛ به طوری که امکان تصمیم‌گیری را از وی سلب می‌کند و ازدواجش تا حد زیادی به تعویق می‌افتد تا شاید شرایط ایده‌آلی را که به دنبالش است، بیابد و در نهایت با توجه به اینکه همه افراد در بعضی ویژگی‌ها دچار کاستی و ضعف هستند و هیچ انسان بدون نقصی را نمی‌توان یافت، فرد کمال‌گرا در یافتن چنین شخصی برای ازدواج دچار شکست و همین امر احتمالاً موجب بی‌زاری و کاهش رغبت او به ازدواج می‌شود. از آنجا که در کمال‌گرایی جامعه‌محور فرد باور دارد که دیگران و جامعه برای او معیارها و انتظارات افراطی در نظر گرفته‌اند و خود را ملزم به برآورده ساختن این معیارها می‌داند (هویت و فلت، ۱۹۹۱)، ممکن است فرد تصور کند در صورت انتخاب همسر نامناسب، مورد قضاوت و انتقاد دیگران قرار خواهد گرفت و چون عقاید و

تأیید دیگران برای او به طرز افراطی مهم است، احتمالاً به جای اینکه فرد مناسب خود را بر اساس خواسته‌ها و معیارهای خود انتخاب کند؛ به این بیانید که در صورت انتخاب چه کسی بیشتر تأیید دیگران را به دست می‌آورد و یا در صورت انتخاب یک شخص، نظر بقیه چه خواهد بود و به دلیل ترس از مورد قضاوت دیگران واقع شدن، ممکن است ازدواج خود را به تأخیر بیاندازد. همین‌طور فرد کمال‌گرا می‌تواند چنین دیدی را نسبت به طرف مقابل خود نیز داشته باشد و به علت نگرانی از اینکه نکند رفتارهایش مورد انتقاد او قرار گیرد و ترس از اینکه فرد کاملی برای همسر خود نباشد و تصور اینکه نتواند انتظارات او را برآورده سازد، منجر به دوری‌گزینی او از ازدواج و کاهش تمایلش شود.

طبق نتایج بین مؤلفه انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و انعطاف‌ناپذیری روان‌شناختی نیز در ارتباط با رغبت به ازدواج، رابطه معناداری دیده شد. این یافته با پژوهش چسلی، فراهانی و مرواریدی (۱۴۰۱) و نیز تا حدودی با پژوهش حسینیان، صالحی و یزدی (۱۴۰۱) همسوست. از آنجا که تصمیم‌گیری برای ازدواج در گروه در نظر گرفتن جوانب مختلف از جمله سازگاری با شرایط فرد دیگر، مستقل شدن روانی و عاطفی از والدین، بر عهده گرفتن مسئولیت‌های زندگی مشترک، در نظر گرفتن راه‌حل‌های گوناگون برای چالش‌های زندگی است؛ ویژگی شخصیتی افراد منعطف به‌گونه‌ای است که واقعیت را می‌پذیرند و بهتر می‌توانند خود را با شرایط سازگار کنند و نسبت به امر ازدواج، معیارهای غیر واقع‌بینانه و دور از واقعیت برای خود وضع نمی‌کنند. همچنین این ویژگی توانایی فرد را در انتخاب عملی در بین گزینه‌های مختلف که مناسب‌تر است، افزایش می‌دهد و فرد را قادر می‌کند درک متعادل‌تر و سازگارتر را با افکار ناسازگار جایگزین کند و شرایط ورود به زندگی مشترک و تشکیل یک خانواده مستقل را تسهیل می‌کند. در این افراد به دلیل داشتن چنین ظرفیت و توانایی، احتمال اینکه رغبت بیشتری به داشتن رابطه پایدار و همراه با تعهد و صمیمت مانند ازدواج داشته باشند، وجود دارد. از آنجا که متغیر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی توانست در رابطه کمال‌گرایی با رغبت به ازدواج نقش تعدیل‌گری داشته باشد، در نتیجه می‌تواند رابطه بین کمال‌گرایی و رغبت به ازدواج را شدت یا کاهش دهد. همان‌گونه که در پژوهش (آتایتر و اکیچی، ۲۰۲۰؛ بریمانی و کشوری، ۱۴۰۰؛ آکوس چوتوک، ۲۰۲۰) نیز مشاهده شد،

بین کمال‌گرایی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی رابطه منفی معنادار وجود دارد. بنابراین انعطاف‌پذیری شناختی باعث می‌شود فرد کمال‌گرا بتواند استانداردها و انتظارات خود را مطابق با خواسته‌های موقعیتی و واقعیت تغییر دهد، از وجود استرس در زندگی اجتناب نکند و قدرت تحمل آن را داشته باشد و زمانی که با فردی برای ازدواج روبه‌رو می‌شود که بخشی از معیارهای ایده‌آل‌گرایانه او را ندارد؛ می‌تواند با خودآگاهی و شناخت نقاط ضعف خود، انتظاراتش را بر مبنای ملاک‌های واقع‌بینانه‌تری شکل دهد و در نتیجه، اصلاح باورها و نگرش‌ها موجب کاهش انتظارات بدبینانه و ایده‌آل‌گرایانه از ازدواج و افزایش انتظارات واقع‌گرایانه می‌شود. همچنین این اجازه را به فرد می‌دهد تا چهارچوب فکری خود را به طرز مثبتی بازسازی کند و در نتیجه ظرفیت او در سازگاری و بهبودی از استرس و دشواری‌های زندگی افزایش می‌یابد و اجازه نمی‌دهد تفکر غیرمنطقی و محدود او مانع انتخاب همسر مناسب و عدم گرایش او به ازدواج شود. در مقابل، عدم انعطاف روانی احتمال عدم پذیرش تجربه شکست و چسبیدن به معیارهای ذهنی از پیش تعیین شده را افزایش می‌دهد و در نتیجه رغبت فرد به تجربه عملی مانند ازدواج که نیازمند سازگاری و انعطاف بسیار است، ممکن است کاهش یابد.

با در نظر گرفتن اهمیت این یافته‌ها می‌توان دوره‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی برای جوانان مجرد در شرف ازدواج برگزار شود، نقش ابعاد منفی کمال‌گرایی و تأثیر آن بر دوره‌های مختلف زندگی بیان و آموزش‌هایی برای ایجاد و افزایش سازگاری و تفکر انعطاف‌پذیر ارائه شود. همچنین با توجه به اهمیت نقش والدین و خانواده در شکل‌گیری کمال‌گرایی، می‌توان برنامه‌ای آموزشی برای کمک به خانواده‌ها برای نشان دادن چگونگی نقش والدین در ایجاد این ویژگی و پیشگیری از آن تدوین شود. از آنجا که جامعه آماری این پژوهش را دانشجویان دختر مجرد دانشگاه الزهرا تشکیل می‌دهند، تعمیم‌پذیری نتایج تحقیق به سایر گروه‌ها و به‌ویژه پسران باید با احتیاط صورت گیرد. بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی برای افزایش قدرت تعمیم‌پذیری یافته‌ها، به بررسی متغیرهای فوق در گروه‌های غیردانشجو نیز پرداخته و برای تکمیل یافته‌ها از مصاحبه و سایر روش‌های گردآوری اطلاعات نیز استفاده شود.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله هیچ گونه تعارض منافی ندارد.

سپاسگزاری

از شرکت‌کنندگان در این پژوهش و تمام کسانی که ما را در این امر یاری کردند، کمال تشکر و قدردانی می‌شود.



فهرست منابع

الف: منابع فارسی

۱. اکبرزاده، سمیرا و کیانوش زهراکار (۱۴۰۱)، «پیش‌بینی سازگاری زناشویی بر اساس انعطاف‌پذیری شناختی و خود شفقت‌ورزی در زوجین»، فصلنامه ایده‌های نوین روانشناسی، دوره ۱۲، ش ۱۶، ص ۱۶-۱.
۲. انتظاری، اردشیر و احمد غیاثوند و فاطمه عباسی (۱۳۹۶)، «عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج جوانان در شهر تهران»، فصلنامه علمی پژوهشی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش ۳۳، ص ۲۳۴-۲۰۱.
۳. بریمانی، ابوالقاسم و شیوا کشوری (۱۴۰۰)، «رابطه بین مهارت‌های اجتماعی و کمال‌گرایی با نقش میانجی انعطاف‌پذیری شناختی در کارکنان سازمان بنادر و دریانوردی»، فصلنامه علمی پژوهشی آموزش علوم دریایی، دوره ۸، ش ۲۵، ص ۱۳۰-۱۱۸.
۴. یالانی، راضیه (۱۳۹۵)، «تبیین مدل معادلات ساختاری بر اساس نظام ارزشی و کمال‌گرایی با تمایل به ازدواج در دانشجویان مجرد کارشناسی دانشگاه کردستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان.
۵. پهلوان‌زاده، فرشاد و زهرا تقی‌یار و ژاله رفاهی (۱۳۹۸)، «بررسی اثربخشی مهارت حل تعارض بر رغبت و تمایل به ازدواج و ابعاد آن در دختران مجرد»، فصلنامه علمی پژوهشی زن و مطالعات خانواده، ش ۴۵، ص ۴۳-۲۹.
۶. سالنامه آماری (۱۳۹۰)، سازمان ثبت احوال کشور.
۷. حبیب‌پور گنابی، کرم و غلامرضا غفاری (۱۳۹۰)، «علل افزایش سن ازدواج دختران»، فصلنامه علمی پژوهشی زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، ش ۱، ص ۳۴-۷.
۸. حسینیان، سیمین و هما صالحی و سیده منور بیزدی (۱۴۰۰)، «رابطه انعطاف‌پذیری شناختی و ازدواج موفق: نقش واسطه‌ای تنظیم شناختی هیجان»، ماهنامه علمی ترویجی رویش روانشناسی، ش ۶۵، ص ۱۰۲-۹۳.
۹. حیدری، محمود و محمدعلی مظاهری و حمیدرضا پوراغتماد (۱۳۸۳)، «ساخت و هنجاریابی پرسشنامه رغبت سنج ازدواج، نسخه دانشجویی (پرساد)»، فصلنامه علمی پژوهشی روانشناسی، ش ۳۱، ص ۲۶۱-۲۵۰.
۱۰. رضاخانی، سیمین دخت و ربابه نوری قاسم‌آبادی و مژگان جان‌بخش (۱۳۸۹)، «رابطه کمال‌گرایی با باورها و انگیزه‌های ازدواج در دانشجویان دانشگاه تهران»، فصلنامه علمی پژوهشی زن و مطالعات خانواده، ش ۱۰، ص ۷۴-۶۱.
۱۱. روشن چسلی، رسول و حجت‌الله فراهانی و مریم مرواریدی (۱۴۰۲)، «برآزش مدل ساختاری رابطه بین سبک‌های دلبستگی و طرح‌واره‌های هیجانی با توجه به متغیرهای میانجی نظم‌جویی هیجانی و انعطاف‌پذیری شناختی با رغبت به ازدواج»، دو فصلنامه علمی پژوهشی روان‌شناسی بالینی و شخصیت، دوره ۲۱، ش ۱، ص ۷۲-۵۷.
۱۲. صالحی، هما و سیمین حسینیان و سیده منور بیزدی (۱۴۰۱)، «مدل‌یابی رابطه انعطاف‌پذیری شناختی و خودمتمایزسازی با ازدواج موفق: نقش واسطه‌ای تنظیم شناختی هیجان»، فصلنامه علمی خانواده درمانی کاربردی، دوره ۳، ش ۳، ص ۱۰۱-۸۰.
۱۳. صفری، سمیرا (۱۳۹۲)، «بررسی عوامل پیش‌بینی‌کننده تمایل به ازدواج در پسران شهر اصفهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان.

۱۴. طیبی نیا، موسی (۱۳۹۳)، «میزان تمایل جوانان به ازدواج و شناسایی موانع و مشکلات آن» فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، ش ۱۶، ص ۸۶-۶۳.
۱۵. عبداللهی، عباس و ازاده طاهری (۱۳۹۸ ش)، مدل‌سازی معادله‌های ساختاری با نرم‌افزار آموس، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

ب. منابع لاتین

- Atayeter, B. (2020). Ebeveynlerin bilişsel esneklik ve mükemmeliyetçilik düzeyleri ile okul öncesi Zaim Üniversitesi, *Sosyal Bilimler Enstitüsü, Eğitim Bilimleri Anabilim Dalı*.
- Baron, R. M., & Kenny, D. A. (1986). The moderator–mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic, and statistical considerations. *J Pers Soc Psychol*, 1986, 51: 1173-1182.
- Crosby, J. M., Armstrong, A. B., Nafziger, M. A., & Twohig, M. P. (2013). *Using Acceptance and Commitment Therapy to treat perfectionism in college students*.
- Crosby, J. M., Bates, S. C., & Twohig, M. P. (2011). Examination of the relationship between perfectionism and religiosity as mediated by psychological inflexibility. *Current Psychology*, 30, 117-129.
- Dennis, J. P., & Vander Wal, J. S. (2010). The cognitive flexibility inventory: Instrument development and estimates of reliability and validity. *Cognitive therapy and research*, 34(3), 241-253.
- Dimitrovsky, L., Levy-Shiff, R., & Schattner-Zanany, I. (2002). Dimensions of depression and perfectionism in pregnant and nonpregnant women: Their levels and interrelationships and their relationship to marital satisfaction. *The Journal of psychology*, 136(6), 631.
- Dixon DC. (2013). Christian spirituality and marital health: A phenomenological study of longterm marriages. Liberty University.
- Eichorn, N., Marton, K., & Pirutinsky, S. (2018). Cognitive flexibility in preschool children with and without stuttering disorders. *Journal of fluency disorders*, 57, 37-50.
- Flett, G. L., Hewitt, P. L., Shapiro, B., & Rayman, J. (2018). Perfectionism, beliefs, and adjustment in dating relationships. *In Love, Romance, Sexual Interaction* (pp. 31-60). Routledge.
- Greco, L. A., Lambert, W., & Baer, R. A. (2008). Psychological inflexibility in childhood and adolescence: development and evaluation of the Avoidance and Fusion Questionnaire for Youth. *Psychological assessment*, 20(2), 93.
- Hamachek, D. E. (1978). Psychodynamics of normal and neurotic perfectionism. *Psychology: A journal of human behavior*.
- Haslam, C., & Montrose, V. T. (2015). Should have known better: The impact of mating

experience and the desire for marriage upon attraction to the narcissistic personality. *Personality and Individual Differences*, 82, 188-192.

13. Horwitz, A. V., White, H. R., & Howell-White, S. (1996). Becoming married and mental health: A longitudinal study of a cohort of young adults. *Journal of Marriage and the Family*, 895-907.
14. Hewitt, P. L., & Flett, G. L. (2002). *Perfectionism and stress processes in psychopathology*. Tuncay, E. (2006). Predictive role of perfectionism on marital adjustment (Master's thesis, Middle East Technical University).
15. Kreider, R. M., & Ellis, R. (2011). Current population reports. *Washington, DC: US Census Bureau*, 70-126.
16. Mahay, J., & Lewin, A. C. (2007). Age and the desire to marry. *Journal of Family Issues*, 28(5), 706-723.
17. Marks, N. F., & Lambert, J. D. (1998). Marital status continuity and change among young and midlife adults: Longitudinal effects on psychological well-being. *Journal of family issues*, 19(6), 652-686.
18. Martin, J. L., & Ashby, J. S. (2004). Perfectionism and fear of intimacy: Implications for relationships. *The Family Journal*, 12(4), 368-374.
19. Servaty, L., & Weber, K. (2011). *The relationship between gender and attitudes toward marriage*.
20. Stoeber, J. (2012). Dyadic perfectionism in romantic relationships: Predicting relationship satisfaction and longterm commitment. *Personality and Individual Differences*, 53(3), 300-305.
21. Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2014). Using multivariate statistics new international edition. *Pearson*, 2012, 1055.
22. Tuncay, E. (2006). *Predictive role of perfectionism on marital adjustment* (Master's thesis, Middle East Technical University).



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی